



حقوق بشر و بشردوستانه ، و نقش سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در ارتقاء و پاسداشت از آن

علی حمزه پور^۱ ، علیرضا برنجی^۲

۱-مدرس دانشگاه (مریی) پژوهشگر دکتری حقوق بین الملل - نویسنده مسئول

۲-مدرس دانشگاه (مریی) پژوهشگر دکتری حقوق عمومی - مدرس دانشگاه

چکیده

امروزه با توجه به بحران های حادث شده در دنیا ، به خصوص منطقه خاور میانه ، و بروز مخاصمات مسلحانه در برخی مناطق ، حقوق انسانی که در این بین زندگی می کنند ، یا آسیب می بینند دغدغه حقوق بین الملل می باشد . مع الوصف رویکرد کلی جامعه بشری بویژه در سال های پس از جنگ اول جهانی ، همواره منع و محدود کردن توسل به جنگ در روابط بین دولتها بوده است . اما واقعیت انکارناپذیر و مسلم ، ادامه استفاده از عنصر زور در روابط بین المللی است و همین امر سبب شده است اهمیت حقوق جنگ و لزوم تدوین و توسعه آن بیش از پیش نمایان شود . متأسفانه علیرغم تاکید معاهدات ۴ گانه ژنو و سایر اسناد بین المللی بر کاهش اثرات مخرب جنگ بر مردم ، جامعه بین المللی در این مسیر چندان موفق نبوده است . نویسنده بر این باور است سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران ، نهادی است که علاوه بر حفظ امنیت داخلی کشور ، با احترام به قواعد حقوق بین الملل و دفاع از آرمانهای بشردوستانه ، در مقابل تروریسم و حامیان آنان ایستاده و در این مسیر خطیر ، با اهدای جان نیروهای خودم ، از مردم ظلم دیده این کشورها دفاع نموده و صلح و آرامش را به آنان نوید می دهد .

واژگان کلیدی : حقوق بشردوستانه ، سپاه پاسداران ، حقوق بین الملل ، جنایات جنگی ، مخاصمات مسلحانه



۱ - مقدمه

مهمترین قوانین بین‌المللی حاکم بر حقوق بشر دو ستانه چهار معاهده ژنو در سال ۱۹۴۹ در مورد بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای نظامی؛ بهبود سرنوشت مجروحان و بی‌هاران و غریقان نیروهای نظامی در دریا، رفتار با اسیران جنگی و پشتیبانی از اشخاص غیر نظامی در دوران جنگ است که تاکنون تقریباً تمام کشورها به آن پیوسته‌اند. با نگاهی اجمالی به خاورمیانه، علی‌الخصوص منطقه خلیج فارس، در می‌یابیم که این منطقه کانون منازعات و بحران جهانی است. این درگیری‌ها عامل مختلفی از جمله شکاف مذهبی در عربستان و حمایت تمام قدا این کشور از تروریست‌های ضد اسلام، جنگ این کشور با لیبی، ظهور تروریست‌های داعش و ناامنی در سوریه و عراق، منازعه اسرائیل با فلسطین و غیره دارند. منطقه خاور میانه در سالهای اخیر شاهد شدیدترین درگیری‌ها و جنایات بین‌المللی بوده است. سکوت معنی‌دار مجامع بین‌المللی و سازمانهای حقوق بشری نشانگر استقبال برخی دولتمردان و کشورها از این فرایند، حکایت از قصه‌ای دیگر دارد. تبدیل بازار فروش اسلحه و حضور کشورهای صهیونیستی و مدعیان حقوق بشری و مزدوران وابسته به آنان در منطقه و ارتکاب فجیع‌ترین جنایات، فقط گوشه کوچکی از ماجراست. اسلام دین رافت و مهربانی است و بی‌تردید حقوق جنگ در اسلام، که به عنوان دین رسمی بسیاری از کشورهای منطقه و درگیر جنگ است، به طرز بنیادین با رویکرد‌های موجود در جنگ‌های داخلی و غیر داخلی کشورهای اسلامی در تضاد و تناقض اساسی است. بدون شک در این میان انسانهای بی‌گناه اعم از زنان و کودکان گرفتار جنگی ناخواسته می‌شوند و حقوق اولیه انسانی و شهروندی آنان نادیده گرفته می‌شود. سازمانهای بین‌المللی که منادیان و مدعیان صلح و دوستی هستند به جز صدور قطعنامه‌های غیر الزام‌آور، هیچ اقدام تأثیرگذار و حمایتی از این انسانهای زجر کشیده به عمل نمی‌آورند. در این بین نگراننده با بررسی‌هایی که به عمل آورده است بر این باور است، نیروهای خدوم و خدمتگذار سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نیروهای ارزشمند، نه تنها در بحرانهای داخلی همیشه دوش به دوش در کنار مردم بوده‌اند بلکه در مقابله با تروریست‌های منطقه و یاری به مظلومان، نیز پیش قدم و در این راه ارزشمندترین هزینه‌ها که همانا جان سربازان فرشته سیرت خود است را تقدیم کرده است.

۲ - مفهوم حقوق بشردوستانه

حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL)^۱ به مجموعه‌ای از قواعد اطلاق می‌شود که استفاده از سلاح‌ها و روش‌های جنگی را محدود می‌کند. (www.icrc.org)

این مجموعه قواعد، از کسانی که در مخاصمات شرکت نداشته و یا ندارند، حمایت می‌کند و هدف حقوق بین‌الملل بشردوستانه همانا حمایت از کرامت انسانی و کاستن از درد و رنج در هنگام جنگ است ضمن این که نام دیگر آن حقوق جنگ و یا حقوق درگیری‌های مسلحانه است. حقوق بین‌المللی بشردوستانه یکی از موثرترین ابزارهای جامعه‌ی جهانی برای تضمین ایمنی و کرامت انسان‌ها در زمان جنگ است هدف آن حفظ جدی از انسانیت است؛ با این اصل

^۱ - International humanitarian law



راهبردی که حتی در جنگ هم محدودیت‌هایی و جود دارد و کنوانسیون‌های ژنو... همچنان و با قدرت تمام، تعهد مشترک ما را در اهمیت دادن به یکدیگر خاطر نشان می‌کنند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه از کسانی حمایت می‌کند که در درگیری شرکت نداشته و یا دیگر شرکت ندارند، مانند: غیرنظامیان؛ کارکنان پزشکی، مذهبی، نظامی؛ رزمندگان مجروح، کشتی شکسته و بیمار؛ اسرای جنگی، و این چنین با در نظر گرفتن نیازهای خاص زنان و کودکان، حمایت‌های بیشتری از آنان به عمل می‌آورد.

به عبارتی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجموعه‌ای از قوانینی است که به دلایل بشردوستانه برای محدود کردن تأثیرات جنگ‌های مسلحانه تلاش می‌کنند. این محافظت از کسانی است که دیگر در معرض خصومت یا خطر نیستند و ابزار و روش جنگ را محدود می‌کنند. قانون بین‌المللی بشردوستانه نیز به عنوان قانون جنگ یا قانون درگیری‌های مسلح شناخته می‌شود.^۱ (ICRC)

مهمترین قوانین بین‌المللی حاکم بر حقوق بشردوستانه چهار معاهده ژنو در سال ۱۹۴۹ در مورد بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای نظامی؛ بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای نظامی در دریا، رفتار با اسیران جنگی و پشتیبانی از اشخاص غیرنظامی در دوران جنگ است که تاکنون تقریباً تمام کشورهای به آن پیوسته‌اند. (پوینده، ۱۳۷۸)

۳ - حقوق بشردوستانه از منظر اسلام

جنگ یکی از پدیده‌های فاجعه آمیز انسان است. به همین دلیل است که تأکید می‌شود که الزامات جنگ باید به ضرورت‌های بشردوستانه منجر شود. اساسی‌ترین حقوق بشر در طول جنگ مورد نقض قرار گرفته است. بنابراین، رابطه بین قوانین جنگ و حقوق بشر باید مورد توجه قرار گیرد.

قوانین جنگی اسلامی همانطور که همیشه در حمایت از غیرنظامیان و افراد دیگر در جنگ علیه ستیزه‌جویان مسلح به شمار می‌رود، در بسیاری از نقاط جهان مسلمان رخ می‌دهد. در طول قرن‌ها، حقوق‌دانان کلاسیک مسلمان، ادبیات حقوقی قابل توجهی ارائه داده‌اند که همانند قوانین بین‌المللی بشردوستانه، بشریت را در جنگ حمایت کرده و صلح را به ارمغان می‌آورد. تأکید بر جهانی بودن اصول IHL، که همسو با سنت‌های حقوقی، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها است، برای بهبود احترام و حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه در جهان اسلام ضروری است. (الداودی، ۲۰۱۷)

در میان ادیان الهی، بی‌تردید اسلام الهام بخش‌ترین دین در ترویج و حمایت از حقوق بشردوستانه به شمار می‌رود. مسلمانان با التزام به دستورات مأخوذه از منابع حیات بخش اسلام؛ یعنی قرآن مجید، سیره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) در دوران زمامداریشان و نبردهایی که با مخالفان داشته‌اند بطور عملی با حقوق بشردوستانه آشنا شده‌اند. همچنین، انبوه روایات در کتب روایی شیعه از ائمه معصومین (ع) و نیز احادیث و اخبار منقوله از اهل سنت در این خصوص به حدی است که با هیچیک از ادیان دیگر قابل مقایسه نمی‌باشد. این سیره حقوق بشردوستانه اسلام ناظر به

^۱ - https://www.icrc.org/en/doc/assets/files/other/what_is_ihl.pdf



تمام مراحل نبرد از قبل از آغاز به جنگ تا پس از خاتمه جنگ، و نیز شامل تهاجم کسان از نظامی و غیر نظامی، و نیز اوقات، اماکن، محیط زیست و هر آنچه از جنگ تأثیر می پذیرد، بوده و سند افتخار بی تردیدی در عشق اسلام و رهبران آن به شأن والای انسانیت است.

آنچه امروزه حقوق بشردوستانه نامیده میشود و هدفش حفظ جان، مال و حیثیت غیرنظامیان، مجروحان، اسرا و کسان است که در جنگ شرکت نکرده اند از آغاز مورد توجه اسلام بوده است و دین اسلام این هدف انسانی را به طور جدی مدنظر داشته است. شاید مهمترین مبنای حقوق بشردوستانه در اسلام این باشد که اگر قرار است جنگ و خشونت رخ دهد عادلانه باشد. سیره رسول اکرم (ص) در پرهیز از جنگ و خشونت روشن است و این حدیث ناظر به زمانی است که به ناچار باید جنگی رخ دهد. توجه به این حقوق انسانی در صدر اسلام در سه فرآیند قابل تحلیل است. فرآیند اول قبل از شکل گیری زمینه های جنگ و خشونت؛ فرآیند دوم بعد از شکل گیری زمینه های جنگ و خشونت و قبل از آغاز مخاصمات مسلحانه و فرآیند سوم پس از آغاز مخاصمات مسلحانه را شامل می شود. (علیخانی، ۱۳۸۸)

رویکرد نخست اسلام به جنگ آن است که به پیروانش دستور داده است که آنان آغازگر جنگ نباشند؛ اما در صورت بروز جنگ، به رعایت عدالت و عدم تجاوز از حدود متعارف و انسانی در برابر دشمنان توصیه می کند. متفکران مسلمان نیز پیش از ظهور اندیشه حقوق بشردوستانه در غرب، به این موضوع پرداخته و توصیه هایی در این خصوص ابراز کرده اند؛ از جمله، محمد بن حسن شیبانی (متوفای سال ۱۸۰ هجری) در کتاب «السیرالکبیر» در نیمه دوم قرن دوم هجری. در بخشی از این کتاب، شیبانی نظراتی را مطرح کرده که به حقوق بشردوستانه امروزی بسیار نزدیک است: «من الثابت للذین لا یقاتلون لایزعجون لافی انفسهم و لافی اموالهم و المتاجر تسیر فی طریقها فلا تجویع و لا منع للقوت عن الشعوب التي لا رای لها فی القتال و لیس لهم فیها ناقة و لا جمل». این عبارت، بیانگر مصونیت اشخاص و اماکن غیرنظامی در جنگ است و شرایطی را برای حفاظت از اماکن و اشخاص غیرنظامی در جنگ ها، تعیین می کند.

اساساً نگاه اسلام به مسائل و موضوعات، یک نگاه انسانی و جهان شمول است. در خصوص مناسک، احکام و برخی قواعد حقوقی می توان تفاوت هایی بین مسلمانان و غیرمسلمانان مشاهده کرد که امری مطلوب است. ولی در خصوص موضوعات و مسائل انسانی از جمله: کرامت انسانی، ادای حقوق، رعایت عدالت، پایبندی به اصول اخلاقی و به خصوص حقوق بشردوستانه هیچ تفاوتی بین مسلمانان و غیرمسلمانان دیده نمی شود. تمام مباحثی که تا اینجا مطرح شد اگر چه بیشتر شواهد تاریخی و استنادات آن مربوط به جنگ های داخلی مسلمانان بود ولی در خصوص غیرمسلمانان و خارجیان نیز کماکان همین حقوق و قوانین جاری و معتبر است. چنانکه پیامبر اکرم (ص) نهی فرمود از اینکه در شهرهای مشرکان سم پراکنده کنند. (الکلینی، ۱۳۶۲)

مهمترین استدلال در این خصوص بر این آیه شریفه قرآن مبتنی است که به مسلمانان اجازه می دهد در مقابل غیرمسلمانان فقط به همان صورت و همان اندازه که مورد تجاوز قرار میگیرند از خود دفاع کنند و به آنها اجازه زیاده روی یا ظلم و تعدی نمی دهد - اصل متناسب بودن دفاع با خطر و حمله - . حقوق اسلامی و با قائل شدن به سه اصل: محدودیت کاربرد سلاح، پایبندی به اصول اخلاقی در حین نبرد و رفتارهای اخلاقی و انسانی با اسرای جنگی در



مخاصمات بین المللی معتقد است که طبقات خاصی مثل: زنان و کودکان؛ سالخوردگان؛ تجار و کشاورزان؛ عابران غیرنظامی؛ روحانیون و مروجین ادیان و مذاهب مختلف مطلقاً از مصونیت و حمایت برخوردارند و انجام اقدامات زیر از نظر اسلام مطلقاً (طرف منازعه از هر دین و مذهبی که باشد) ممنوع است؛ (۱) کشتار دسته جمعی دشمن؛ (۲) سلب حق تسلیم (کشتن اسیران)؛ (۳) انجام اعمال انتقام جویانه؛ (۴) تعرض و بی احترامی به مجروحان؛ (۵) محروم ساختن دشمن از آب و غذا؛ (۶) انهدام تأسیسات و ساختمان ها؛ (۷) انهدام درختان و محیط زیست. (محقق داماد، ۱۳۸۳)

۴ - مخاصمات مسلحانه در خاورمیانه و نقض حقوق بشردوستانه

امروزه نزاع میان گروههای اسلامی در خاور میانه به مهم ترین پوشش های امنیتی غالب تبدیل شده است، که به صورت اساسی در جنگ های داخلی سوریه از ۲۰۱۱ تا کنون و جنگ داخلی عراق بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، نمود پیدا کرده است. در فاصله زمانی شش سال جنگ خونین میان گروههای درگیر در سوریه، بیش از ۳۲۱ هزار و ۳۴۵ نفر جان خود را از دست داده اند که دست کم ۹۶ هزار نفر از کشته شدگان غیر نظامی و از این تعداد نیز حدوداً ۱۷ هزار و ۴۰۰ نفر کودک و بیش از ۱۱ هزار نفر زن هستند. در همین حال کمیساریای عالی آوارگان سازمان ملل آمارهای بسیار تکان دهنده ای درباره این کشور جنگ زده منتشر و اعلام کرده است، ۸۵ درصد از مردم این کشور زیر خط فقر زندگی می کنند و حدود پنج میلیون نفر از مردم این کشور آواره شده اند. یازده میلیون سوری نیز مجبور به ترک منازلشان شده اند. سازمانهای حقوق بشر انگلیس نیز تلفات غیر نظامیان عراقی را از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱، بین ۱۰۴ هزار تا ۱۱۳ هزار و ۶۸۰ نفر برآورد کرده اند. علاوه بر این، یک میلیون و ۷۵ هزار عراقی به دنبال جنگ و ناامنی به کشورهای همسایه مهاجرت کرده یا به اردوگاههای آوارگان سازمان ملل پناه برده اند.

به نظر می رسد که حقوق جنگ در اسلام به عنوان دین رسمی کشورها و گروههای درگیر در جنگ، به صورت اساسی با رویه های موجود در جنگ های داخلی کشورهای اسلامی در تناقض می باشد. در واقع، اسلام نه تنها جنگ را به عنوان یک هدف در روابط با سایر گروههای غیر اسلامی در اولویت خویش نمی بیند، بلکه اکیداً در مورد منازعات بین گروهی در جوامع اسلامی هشدار داده است. (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴)

۵- بحران سوریه و اهمیت راهبردی این کشور

هرچند که در آغاز شکل گیری بحران سوریه که همزمان با پیدایش بهار عربی و بیداری اسلامی بود، یک این هاننی برای پاره ای از تحلیلگران سیاسی ایجاد شده بود که بحران سوریه نیز از سنخ و جنس همان جنبش های انقلابی کشورهای منطقه است، اما شکل گیری گروه های تروریستی و بنیادگرایان تکفیری - سلفی از جمله جبهه ی النصره، احرار شام و داعش که در فعالیتی همسو با یکدیگر علیه منافع ملت سوریه، این کشور را عرصه ی تاخت و تاز خود قرار داده اند، جمهوری اسلامی ایران را در موقعیتی قرارداد که با دقت و تیزبینی خاصی تحولات این کشور و منطقه را رصد نموده و در این جدال ژئوپلیتیکی، از منافع دولت و ملت سوریه حمایت نماید. (صادقی، ۱۳۹۴)



سوریه کشوری در حد فاصل خاور نزدیک و خاورمیانه و نقطه ی اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است؛ و ژئوپلیتیک سوریه به گونه ای طراحی شده که جایگاهی خاص و راهبردی برای این کشور رقم زده است. در بعد ژئوپلیتیکی، سرزمین سوریه برای قدرت های منطقه ای و بین المللی از چند جنبه دارای اهمیت است:

۱. بخش با اهمیتی از منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا است.
۲. همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان و ترکیه و عراق به عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه.
۳. کشوری تأثیرگذار در معادلات سیاسی لبنان است
۴. همپوند بادرگیری های اعراب و اسرائیل
۵. ساختار سیاسی متفاوت و متمایز نسبت به سایر کشورهای عرب منطقه، چراکه تنها کشور عربی است که مناسبات مستقل منطقه ای و بین المللی دارد. این موقعیت راهبردی، چالش هایی همچون بی ثباتی و ناامنی را برای این کشور رقم زده است. (منبع پیشین)

برخی کشورهای غربی و دولت آمریکا با مقاصدی از جمله اسلام ستیزی، تسلط بر منطقه، برهم زدن ساختار قدرت در منطقه، دست اندازی بر منابع طبیعی و حمایت از رژیم سهیونیستی، با راه اندازی شبکه ها و گروه های تروریستی، کشور سوریه و برخی مناطق اطراف را نا امن کرده تا به هر قیمتی منافع خود را تامین نمایند. بی تردید یکی از اهداف اصلی این کشورها دسترسی به ایران اسلامی و ایجاد ناامنی در آن بود. ایران و سوریه دارای منافع مشترکی در غرب آسیا هستند. دوستی ایران و سوریه از قبل انقلاب شروع شده و در دوران جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرده و بعد از آن هم به عنوان دو کشوری که منافع راهبردی مشترکی داشتند، در منطقه به ایفای نقش پرداخته اند.

۶ - تخلفات بین المللی دولت های حامی جریان تکفیری

حمایت از جریان تکفیری موجب نقض تعهدات بین المللی زیر شده است:

۶-۱- توسل به زور

هرچند ممکن است اینگونه به نظر برسد که حمایت از این تروریست ها مصداق تجاوز و حمله مسلحانه - به صورت مستقیم - نیست، اما دیوان بین المللی دادگستری در بند ۲۰۵ رأی خود در قضیه نیکاراگوئه بخشی از قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی راجع به اعلامیه اصول حقوق بین الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری بین دولت ها را اینگونه تفسیر می کند که هرگونه کمک به شورشیان که متضمن استفاده از زور باشد ناقض اصل منع توسل به زور است.

۶-۲- مداخله در امور داخلی

در قضیه نیکاراگوئه هرچند اقدام شورشیان کنترا به امریکا منتسب نشد اما حمایت از آنها مداخله در امور داخلی تلقی شد. دیوان در قضیه نیکاراگوئه «استخدام نیرو، آموزش، سازماندهی، کمک رسانی، تجهیز و حتی تشویق، حمایت، یاری رساندن و هدایت عملیات های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه» را مداخله در امور داخلی دانست. باید توجه داشت از آنجایی که هیچ دولتی جریان تکفیری را به رسمیت نشناخته است هیچ نوع حمایتی از آنها مشروع نخواهد بود.

۶-۳- حمایت از تروریسم بین المللی



طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون تامین مالی تروریسم اقدامات این جریان تکفیری تروریسم بین المللی محسوب می شود. این ماده چنین مقرر می دارد :

Any other act intended to cause death or serious bodily injury to a civilian, or to any other person not taking an active part in the hostilities in a situation of armed conflict, when the purpose of such act, by its nature or context, is to intimidate a population, or to compel a government or an international organization to do or to abstain from doing any act...

« هر اقدام دیگری که هدف آن ایجاد صدمه و یا صدمات جدی به یک غیر نظامی یا هر شخص دیگری است که درگیری های مسلحانه شرکت نداشته باشد ، زمانی که هدف از چنین اقداماتی، با توجه به ماهیت یا زمینه آن، هراس دادن به یک جمعیت، یا مجبور کردن دولت یا سازمان بین المللی برای انجام یا عدم انجام هر گونه اقدام ... » کمک مالی به تروریسم طبق این کنوانسیون و پناه دادن به آنها طبق قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ تخلف بین المللی است. هر چند تروریسم یک جرم مشمول صلاحیت جهانی نیست، اما کشورهای متبوع اعضای دا عس و کشورهای محل فعالیت آنها متعهدند که مجازات انگاری لازم برای تعقیب آنها را داشته باشند.

۴-۶- معاونت در نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی

همواره جرم نسل کشی که به عنوان یکی از مهمترین جرایم مورد توجه مجامع بین المللی از جمله دیوان بین المللی کیفری و رواندا و یوگوسالوی بوده است. این دیوان ها، می باشد که هر کدام مجازات جرم نسل کشی را مورد بررسی و تعیین نموده اند. (یاقوتی ، بهلولی ، ۱۳۹۷)

بر طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری منظور از جنایات بر ضد بشریت، اعمال مشروح ذیل است که در یک حمله گسترده و سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و یا با علم به حمله است. جرم جنایت بر ضد بشریت ، مجموعه اعمال و افعالی است که در قالب «حمله و برضد یک جمعیت غیر نظامی» و به صورت « گسترده » و « سازمان یافته » عالما و عامدا صورت گیرد. حمله اعم است از حمله نظامی و غیر نظامی. منظور از جمعیت غیر نظامی نیز افرادی است که نظامی محسوب نمی شوند ؛ یا اگر نظامی هستند در مخاصمات مسلحانه شرکت ندارند. منظور از گستردگی این است که حمله به صورت وسیع و علیه عده قابل توجهی از مردم غیر نظامی صورت گیرد. منظور از سازمان یافتگی نیز این است که حمله بر اساس یک « برنامه تنظیم شده » و برای رسیدن به « هدف خاصی » انجام شود. اما در نسل کشی برنامه تنظیم شده و هدف خاصی مد نظر نیست (شایگان فرد، ۱۳۸۸)

در جنایات صورت گرفته در عراق و سوریه ، هر چند این کشورها (کشورهای حامی تروریست) خود مرتکب جنایت جنگی نشده باشند ، اما تحویل سلاح کشتار جمعی به شورشیان سوریه و کمک نظامی و مالی به داعش می تواند مصداق معاونت مذکور در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری باشد.

۵-۶- نقض تعهد به پیشگیری

مسئولیت بین المللی به جهت نقض تعهد به تلاش معقول برای جلوگیری از اعمال شورشیان (نقض اصل تعهد به پیشگیری) در قضیه بوسنی علیه صربستان پذیرفته شد. در رابطه با مبارزه با تروریسم اسناد بین المللی مختلفی مانند



کنوانسیون بمب گذاری تروریستی مورخ ۱۹۹۷ و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مورخ ۱۹۹۹ تعهد به پیشگیری و تضمین وجود دارد. در این رابطه باید گفت که عملکرد برخی دولت ها با ابهام مواجه بوده و در این خصوص نیز نقض مقررات و قواعد بین المللی توسط برخی کشورها مشهود است .

۶-۶- نقض حق تعیین سرنوشت

اصل حق ملت ها برای تعیین سرنوشت خود ، یا به اختصار حق تعیین سرنوشت از اصول اساسی حقوق بین الملل است که بنا بر سازمان ملل متحد به عنوان مرجع تفسیر هنجارهای منشور، الزام آور است. این اصل اظهار می دارد که در احترام به اصل حقوق برابر و برابری منصفانه فرصت ها ، ملت ها حق دارند حاکمیت و وضعیت سیاسی بین المللی خود را بدون هرگونه اجبار یا مداخله خارجی برگزینند .

در حالی که طبق رای دیوار حایل ، کشورها ملزم به عدم همکاری با ناقض حق تعیین سرنوشت هستند این کشورها به داعش در نقض حق تعیین سرنوشت سوریه و عراق کمک می کنند در حالی که نظام سیاسی عراق و سوریه پشتوانه آرای مردمی را به همراه دارد.

۷- مشروعیت دعوت از کشور خارجی جهت مداخله در مخاصمات و درگیری های داخلی

عبارت "مداخله بوسیله دعوت" اغلب به عنوان یک جمله کوتاه برای مداخله نظامی نیروهای خارجی در یک درگیری مسلحانه داخلی با دعوت دولت مربوطه مورد استفاده قرار می گیرد. چنین مداخلاتی ممکن است شامل جنگ واقعی با سربازان خارجی باشد، اما عملیات آنها نیز ممکن است محدود به نمایش قدرت یا سایر اشکال پشتیبانی نظامی فعال باشد. (مثلا حفاظت از مکان های مهم) (<https://opil.ouplaw.com>)

در حقوق بین الملل سنتی، اگر شورشیان می توانستند بخش مهمی از کشور را تصرف کنند، دولت ثالث دیگر نباید به هیچ کدام از طرفین مخاصمه کمک می کردند و در صورتی که درگیری به سطح مخاصمه ارتقاء پیدا می کرد یعنی درجه کنترل شورشیان بر سرزمین کشور به همان سطح کنترل دولت و یا حتی فراتر از آن می رسید و این وضعیت از سوی دولت خارجی شناسایی می شد، آنگاه دولت ثالث می توانستند به درخواست هر یک از طرفین مخاصمه مداخله نمایند. حقوق بین الملل معاصر در پرتو مقررات منشور ملل متحد رویکردی متفاوت اتخاذ کرده است. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه با تفکیک میان حکومت و گروه شورشی؛ حکومت را از حق دعوت دول خارجی به مداخله برخوردار دانست و کمک به گروه شورشی را مغایر مقررات حقوق بین الملل و اصل منع مداخله دانست. دیوان در قضیه « فعالیتهای نظامی در سرزمین کنگو» بار دیگر بر رویه پیشین خود تاکید نمود. (عزیزی ، ستار ، ۱۳۹۰)

به نظر میرسد که مفاد قطعنامه های مجمع عمومی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و طرح مسولیت بین المللی دولت ها مصوب سال ۲۰۰۱ و همچنین رهیافت دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه مغایر رویکرد انستیتو حقوق بین



الملل^۱ و مقررات حقوق بین الملل سنتی بوده و دخالت نظامی دولت خارجی به درخواست دولت داخلی را مشروع می داند.

در اینجا ابتدا به قطعنامه های ارکان مختلف سازمان ملل متحد بویژه مجمع عمومی اشاره خواهیم نمود.

الف: قطعنامه تعریف تجاوز: در ماده ۳ این قطعنامه چنین آمده است: «استفاده از نیروی مسلح واقع در کشور دیگر که با توافق کشور پذیرنده در آن سرزمین حضور دارند، و یا برخلاف شروط مقرر در آن موافقتنامه عمل نموده و یا پس از خاتمه توافق به حضور خود در آن سرزمین ادامه دهند.»

این بند به روشنی نشان می دهد که حضور نیروهای خارجی در سرزمین یک دولت اگر با اجازه و رضایت دولت میزبان باشد ممنوع نیست. شورای امنیت نیز در مقدمه قطعنامه ۳۸۷ (مصوب سال ۱۹۷۶) و در محکومیت تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا به «حق ذاتی و مشروع هر دولت اشاره دارد که در اعمال حاکمیت خود از دولت یا گروهی از دولت های دیگر تقاضای کمک نماید». همچنین این شورا در قطعنامه شماره ۱۳۴۳ (سال ۲۰۰۱) دخالت لیبیا در سیرالئون را محکوم نمود و از آن دولت خواست که فوراً به حمایت خود از نیروهای RUF (گروه مخالف دولت سیرالئون) و دیگر گروه های شورشی پایان دهد و نیز از لیبیا درخواست نمود که اعضای RUF را از کشورش اخراج نموده و کمک های نظامی و مالی خود به آن گروه از جمله انتقال اسلحه و آموزش نظامی را متوقف کند. شورا به جهت عدم رعایت این دستورات به موجب ماده ۴۱ منشور ملل متحد، سلسله مجازات هایی علیه دولت لیبیا و برخی از مقامات آن دولت وضع نمود.

«بیانیه غیرقابل قبول بودن مداخله و دخالت در امور داخلی دولتها» نیز با این عبارت به صراحت از قانونی بودن مداخله دولت خارجی با رضایت دولت میزبان سخن می گوید: «وظیفه هر دولت در خودداری از هر نوع فعالیت اقتصادی، سیاسی یا نظامی در سرزمین دولت دیگر بدون اجازه او».

همچنین کمیسیون حقوق بین الملل در تفسیر ماده ۲۹ طرح مسوولیت بین المللی دولتها نظر مشابهی را بیان می دارد: «به عنوان مثال، روشن است که ورود سربازان خارجی به سرزمین یک دولت که معمولاً نقض جدی حاکمیت آن دولت و در حقیقت اغلب تجاوز محسوب میشود، اگر با درخواست و یا رضایت آن دولت صورت گرفته باشد، دیگر نباید تجاوز توصیف گردد و آن عمل کاملاً مشروع تلقی خواهد شد.»

کمیسیون اضافه میکند:

«رضایت یا درخواست حکومت یک دولت که حاکمیت آن در فقدان چنین رضایت یا درخواستی نقض می گردد نیز به عنوان توجیهی برای ارسال سربازان به سرزمین دولت دیگر به منظور یاری رساندن به آن دولت در سرکوب ناآرامی

^۱ - در ماده ۲ قطعنامه انستیتو حقوق بین الملل، مداخله دول خارجی در مخاصمات داخلی ممنوع شده و ماده ۳ تنها اعطای کمک های بشر دو ستانه را از ممنوعیت گفته شده مستثنی کرده است. به عبارت دیگر، دولتهای خارجی حق ندارند به نفع هیچ کدام از طرفین مخاصمه، مداخله نمایند و به آنان یاری رسانند.



های داخلی، انقلاب و یا شورش تلقی می‌گردد. از این توجیه اخیراً در بسیاری از موارد از جمله در قضایای مطروحه نذر شورای امنیت یا مجمع عمومی استفاده شده است.

بنابراین مداخله دولت خارجی اگر مسبوق به دعوت دولت قانونی باشد، از مشروعیت برخوردار است اما اگر مداخله با دعوت نیروهای مخالف و اپوزیسیون انجام شود قابل قبول نیست. عموماً این قاعده پذیرفته شده است که نیروهای شورشی از حقی معادل با دولت در دریافت کمکهای خارجی برخوردار نخواهند شد. به عبارت دیگر دولت خارجی در صورت درخواست حکومت مرکزی میتواند به ارسال کمکهای مختلف و از جمله انجام اقدامات نظامی مبادرت نماید. اما اعطای کمک به شورشیان مخالف قواعد حقوق بین الملل است. (عزیزی، پیشین)

در دعوت به مداخله نظامی، در واقع، دولت مشروع و دولتی قربانی (که با یک درگیری مسلحانه مواجه است) به دولت دیگری رضایت می‌دهد و از او می‌خواهد تا از نیروی مسلح خود علیه دشمنانش استفاده کند. دولت قربانی ممکن است متحدان خود را برای کمک به استفاده از نیروی مسلح در دفاع از خود دعوت کند. قانونی بودن دعوت به مداخله نظامی توسط قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأیید شده است، که در آن مجمع عمومی به طور غیرمستقیم اعتبار مداخله نظامی را با دعوت به رسمیت می‌شناسد. (قابل مشاهده در پورتال دانشگاه لیدن هلند)

۶ - اقدامات بشردوستانه ای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران

اسلام دین صلح و سلم و تسلیم در برابر حق است و بر اساس آموزه‌های قرآنی، صلح یک امر ارزشی است. از همین رو از آن به مطلق خیر تعبیر کرده و می‌فرماید: وَالصُّلْحُ خَيْرٌ، صلح برتر و بهتر است. (نساء، آیه ۱۲۸). جمهوری اسلامی ایران همواره مدافع مظلومان جهان بوده و به تاسی از آیه کریمه «... إِنَّ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ...» به حمایت از ملت‌های مظلوم بپاخته و در برابر استکبار ایستاده است و همیشه در مسیر رو به جلوی خود با تمام توان برای دفاع از دین و نظام و حمایت از مظلومان جهان تلاش می‌کند.

سپاه پاسداران، میراث گران قدر و ثمره مبارک انقلاب اسلامی است که در تمامی عرصه‌های خدمت و دفاع حضور داشته است، این نهاد مقدس مردمی بوده و برخاسته از بطن مردم است و در واقع همه ملت ایران عضو این تشکیلات عظیم و مدافع ارزش‌های والای نظام اسلامی هستند.

سپاه پاسداران به تناسب ضرورت، در زمینه‌های انتظامی و امنیتی - که در فرموده‌های امام امت به آنها اشاره شده است - فعالیت کرد و نقش بسیار مهم و همه جانبه‌ای را ایفا نمود. در زمانی که کشور نیاز مبرم به امور امنیتی داشت و هنوز فاقد سازمان امنیتی بود، سپاه پاسداران در کشف و انهدام خانه‌های تیمی منافقین و گروهکهای محارب، سربر آستانه خطر می‌سپرد و آنان را متلاشی می‌کرد. امام راحل در بیان اهمیت وظایف آنان می‌فرماید: «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود» (صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۳۱۴)

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگاهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین



جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد.^۱

فلسفه وجودی سپاه پاسداران را هیچ چیز به اندازه ارزش دستاوردها و اهداف مورد نظر انقلاب اسلامی بیان نمی‌کند. انقلابی که ریشه های فساد را قطع، و نهال طیبه ایمان و استقامت را در کشور و در دل ملت ایران بارور کرد و با چشمه جاری و زلال ولایت، آن را آبیاری نمود، خطر عظیمی شد که ابرقدرتها خصوصاً امریکایی ها تحمل آن را نداشتند. بنابراین، انقلاب اسلامی با طیفی از اقدامهای خصمانه فرهنگی، سیاسی، روانی، اقتصادی و نظامی مواجه گشت، زیرا که متحد دیروز امریکا، تبدیل به خطرناکترین تهدید در مقابل تمامی عرصه های مستکبران جهانی شده بود. در نتیجه دشمنان انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی، در صدد سرنگونی آن برآمدند و به اشکال مختلف، به توطئه و فتنه انگیزی دست زدند. این دسیسه ها به حدی گسترده و پیچیده هستند که حتی قادرند دولت و یا نظام کشوری را سرنگون سازند؛ اما نظام جمهوری اسلامی با تمام توان خویش، هر یک از این نقشه ها را نقش بر آب کرده است.^۲

در حوزه های حقوق بشری سپاه پاسداران حرفهای زیادی برای گفتن دارد. از دیدگاه این نهاد ارزشمند بر اساس آموزه های دینی و اسلامی، صلح بسیار ارزشمند است. و آنچه مسلم است هیچ گاه و هیچ زمانی نیروهای خدوم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آغازگر جنگی نبوده اند. بلکه همیشه به سفارش قرآن کریم که می فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج / ۳۹)» به آنها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا قادر بر نصرت آنها است، عمل نموده است.

«الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَكُلَّمَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج / ۴۰)» همانها که به ناحق از خانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند جز اینکه می گفتند پروردگار ما الله است، و اگر خداوند بعضی از آنها را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند دیرها و صومعه ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود ویران می گردد و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آئینش دفاع نمایند) یاری می کند، خداوند قوی و شکستناپذیر است، عمل کرده و به دفاع از حقوق مظلومین و ستمدیدگان پرداخته است.

به عنوان مثال در جنگ تحمیلی، رژیم بعث عراق، با همکاری برخی کشورها و سازمانها، کلیه قواعد و قوانین حقوق بین الملل در حوزه حقوق بشر دوستانه را زیر پا گذاشته و فجیع ترین و شنیع ترین جنایات جنگی را رگم زدند. زندان الرشید، زندان ابوغریب، اردوگاه ناصریه و محلی در وزارت دفاع در بغداد، مکان های مخفی نگهداری اسیران ایرانی بود که زبان از شرح این مکانها عاجز است. بمباران و موشک باران های متعدد اماکن عمومی و کشتار غیر نظامیان از اقدامات رژیم صدام بود. به طور کلی از اقدامات این رژیم منحوس می توان به جنایات جنگی، انتقال اجباری، نسل کشی و غیره اشاره کرد.

^۱ - <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90595>

^۲ - قابل مشاهده در پرتال امام خمینی، در آدرس <http://www.imam-khomeini.ir>



سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران به تاسی از آموزه های دینی و احترام به قواعد بین المللی - که بسیاری از این قواعد را قرنها پیش اسلام بر آن تاکید داشته است - و با آگاهی از اینکه جنگ و استفاده از نیروی نظامی بر طبق حقوق بشردوستانه بین المللی بر سه اصل «ضرورت نظامی»، «تفکیک» و «تناسب» قرار گرفته است، چه در جنگ تحمیلی و ۸ سال دفاع مقدس و چه در دفاع از حریم حرم و غیره به حقوق غیرنظامیان احترام گذاشته و شرایط و آداب جنگ جوانمردانه را رعایت نموده است.

اصل ضرورت نظامی بدان معنا است که در جنگ، هر متخاصمی تنها می تواند آن میزان و آن نوع از زور را به کار گیرد که برای شکست دشمن ضروری باشد. به عبارت دیگر، فرماندهان نظامی باید به شیوه ای عمل کنند که برای پیشبرد اهداف نظامی لازم است و البته این اطمینان را حاصل کند که عملشان با حقوق مخاصمات مسلحانه تعارض نداشته باشد.

هدف نظامی مشروع آن است که مزیت قطعی نظامی را همراه داشته باشد. (Kastan Benjamin, 2013)

ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی، شرایطی را برای حمله نظامی در زمان جنگ بیان می کند از جمله آن که، حمله باید «منحصر به اهداف نظامی» باشد و «مزیت قطعی نظامی» را به همراه داشته باشد. همچنین مقررات لاهه، «نبودی یا ضبط اموال دشمن، مگر آن که چنین تخریب و یا مصادره ای بر اساس ضروریات جنگ حیاتی باشد» را ممنوع کرده است.^۱ ماده ۸ اساس نامه دیوان بین المللی کیفری، با بیان آن چه که در ماده ۲۳ مقررات لاهه آمده است، آن را مصداقی از جنایت جنگی نامیده است.

اصل دیگر، تفکیک است. اصل تفکیک و مصونیت غیرنظامیان یکی از قدیمی ترین اهداف اساسی قواعد امری و عرفی حقوق بشردوستانه را تشکیل می دهد که صرف نظر از ویژگی بین المللی یا غیربین المللی مخاصمه ی مسلحانه قابل اعمال هستند. این اصل در واقع تنظیم کننده نحوه استفاده از تسلیحات در درگیری های مسلحانه است. بر اساس اصل تفکیک که یک اصل بنیادین و تثبیت شده در حقوق بین الملل موضوعه و عرفی می باشد، افراد و اهداف غیرنظامی نه تنها نباید مستقیماً مورد حمله نظامی واقع شوند؛ بلکه درحمله به اهداف نظامی نیز باید آن چنان دقتی به عمل آورد که آن اهداف (غیرنظامیان) مورد صدمه و آسیب واقع نشوند. (قربان نیا و اخگری بناب، ۱۳۹۰) هدف از این تمایز، کاهش آسیب به غیرنظامیان و اموال آنان است. فرماندهان موظف هستند تا پیش از دستور حمله، این تمیز را انجام دهند. همچنین این اصل به دنبال جلوگیری از حملات کورکورانه می باشد.

اصل ۴۸ پروتکل اول الحاقی مقرر کرده است که طرفین درگیری «در هر زمان بین جمعیت غیرنظامی و نظامی، اموال غیرنظامی و نظامی» تمایز قائل شوند.

ماده ۵۲ اهداف نظامی را بدین شکل تعریف می کند: «اهدافی که از لحاظ ماهیت، مکان، هدف و یا کاربرد، سهم موثری را در اقدام نظامی دارند؛ اهدافی که انهدام، ضبط و یا خنثی سازی تمام و یا بخشی از آنها، در شرایط خاص زمان حمله، یک مزیت نظامی قطعی را ارائه دهد.»

^۱ - ماده ۲۳ (ز) مقررات لاهه



ماده ۵۱ با تمرکز بر جمعیت غیرنظامی در مجاورت میدان نبرد، طرفین را ملزم به کسب این اطمینان می‌نماید که «جمعیت و افراد غیرنظامی در برابر خطرات ناشی از عملیات‌های نظامی از حمایت کلی برخوردارند» و هم‌چنین «هدف حمله قرار نمی‌گیرند». به علاوه این ماده حملات کورکورانه را تعریف و ممنوع می‌کند.^۱

اصل مهم بعدی تناسب است. اگرچه اصطلاح تناسب به طور مشخص در پروتکل الحاقی اول ذکر نشده است اما می‌توان آن را در شق ب، بند ۵، ماده ۵۱ پیدا کرد که آسیب‌های اتفاقی مورد انتظار و خسارات ناخواسته به شهروندان و اموال غیرنظامی را، بیش از میزان پیش‌بینی شده در اهداف نظامی، ممنوع می‌کند.

ماده ۵۷، بند ۲، شق الف بند ۳ (۳) قاعده‌ی تناسب را تکرار کرده و فرماندهی نظامی را از عدم توجه به آن منع می‌کند. این اصل در پروتکل ۲ و پروتکل اصلاحی ۲ منضم به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف نیز گنجانده شده است. علاوه بر این به موجب اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی "حمله‌ی عمدی با علم به این که چنین حمله‌ای به‌طور ضمنی باعث اتلاف جان و یا آسیب رساندن به غیرنظامیان یا صدمه زدن به اموال غیرنظامی می‌شود... و به وضوح زیاده بر مزیت

^۱ - بر اساس ماده (۴) ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو، حملات کورکورانه ممنوع بوده و این ممنوعیت شامل موارد زیر می‌شود:

الف) حمله‌هایی که علیه یک هدف نظامی به خصوص صورت نگیرد؛
 ب) حمله‌هایی که با استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی صورت گیرد که نتوان آن را علیه یک هدف نظامی به خصوصی به کار گرفت؛
 ج) حمله‌هایی که در آن از روش‌ها یا وسایل جنگی استفاده می‌شود که اثرهای کاربردی آن را نمی‌توان طبق مقررات پروتکل حاضر محدود ساخت.

د) در نتیجه، در هریک از این قبیل موارد، این حملات از نوعی است که اهداف نظامی و افراد یا اموال غیرنظامی را بدون تفکیک از یکدیگر مورد اصابت قرار می‌دهند.

ه) علاوه بر سایر موارد، انواع حمله‌های مذکور در زیر، در زمره حمله‌های کورکورانه به‌شمار می‌آیند:

(۱) حمله از طریق بمباران با هر روش و وسیله‌ای که تعدادی هدف نظامی مشخص و مجزا درون یک شهر، قصبه، روستا یا ناحیه دیگری را که تجمع مشابهی از افراد و اموال غیرنظامی در خود جای داده است، به عنوان یک هدف نظامی واحد قلمداد می‌کند؛
 (۲) حمله‌ای که انتظار می‌رود به‌طور اتفاقی موجب صدمه جانی به افراد غیرنظامی، مجروح شدن آنها و وارد آوردن خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموعه‌ای از آنها گردد که نسبت به مزیت‌های نظامی مشخص و مستقیمی که پیش‌بینی شده است زیاده از حد باشد. (به نقل از خبرگزاری ایسنا)

^۲ - احتمالاً آن حملات موجب نابودی حیات غیرنظامیان، آسیب به آنها، خسارت به اهداف غیرنظامی و یا ترکیبی از آنها شوند که در ارتباط با مزیت نظامی قطعی و مستقیم پیش‌بینی شده، فاحش و افراطی هستند.

^۳ - از به راه انداختن هر حمله‌ای که آسیب و خسارت تصادفی آن به جمعیت و اهداف غیرنظامی انتظار می‌رود و در ارتباط با پیشرفت نظامی مستقیم و ملموس مورد نظر، فاحش و افراطی باشد، خودداری کند.



نظامی مستقیم و عینی مورد انتظار است^۱ جنایت جنگی در درگیری های مسلحانه ای بین المللی است. (هنکر تز، ژان ماری؛ دوسوالد بک، لوئیس، ۱۳۸۷)

برای سنجش تناسب باید دو مورد را با یکدیگر مقایسه و به تعادلی مناسب دست پیدا کرد؛ اولاً خسارات و تلفات جانبی غیرنظامی احتمالی در اثر حمله و دوم، مزیت نظامی که در پی آن، هدف را مورد حمله قرار می دهند. با عنایت به مطالب مذکور نکته ای قابل توجه و مشترک در همه ی اصول، بحث حمایت از غیرنظامیان است. در واقع با هیچ توجیهی حتی بحث ضرورت نظامی، نمی توان مناطق مسکونی یا به طور کلی غیرنظامیان را هدف قرار داد. آنچه که در رابطه با پنج دوره ی جنگ شهرها در دوران دفاع مقدس حساسیت ایجاد می کند، بمباران عمدی افراد و اموال غیرنظامی است. زمانی بمباران هوایی در راستای هدف قرار دادن انبارهای نظامی و یا به طور کلی نقاط نظامی طرف درگیری در دستور کار قرار می گیرد، در این حالت حتی اگر عملیات نظامی منتج به تلفات غیرنظامی شود، این امر تحت عنوان تلفات جانبی و غیرقابل پیش بینی قرار گرفته و مسئولیت کمتری را برای دولت هدف گیرنده به همراه خواهد داشت. اما در جنگ شهرها هدف اصلی غیرنظامیان هستند که با هیچ کدام از اصول حقوق بشر دو ستانه ای بین المللی هم خوانی ندارد.

نتیجه گیری

به روایت تاریخ و مستندات موجود، نهاد مقدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، در هیچ جنگی، قواعد حقوق بشر دو ستانه را زیر پا نگذاشته است. در هیچ زمانی هیچ حمله ای به غیر نظامیان صورت نداده است. بلکه همیشه احترام به قواعد جنگ جوانمردانه را در دستور کار قرار داده است. سپاه پاسداران، نه تنها در خارج از مرزها و در بحرانهای منطقه ای با رعایت قواعد و مقررات بین المللی، در همه حال یاری گر مظلومان و ستمدیدگان بوده است، در بحرانهای داخلی نیز آزمون خود را پس داده و به معنای واقعی کلمه سربلند بوده است. در بحران سیل سال ۱۳۹۸ توجه خود را به مناطق شمالی، غربی و جنوب غربی کشور معطوف کرد و تعدادی از بالگرد های نیروی زمینی سپاه به همراه تجهیزات امداد رسانی به مناطق سیل زده استان لرستان و سایر مناطق سیل زده اعزام شدند. اعزام و استقرار بالگردها، احداث یگان مهندسی ۴۳ امام علی (ع) و یک مجموعه کامل بیمارستان صحرایی در لرستان اقدامات اولیه سپاه در استان لرستان بود. کمکهای حقوق بشری در بحران کرونا، بسته های معیشتی، نهضت خدمت رسانی به مناطق محروم در مناطق مختلف و اقداماتی از این دست، قطره ای از دریای جانفشانی ها و خدمات ارزشمند این نهاد مقدس بوده و خدمات حقوق بشری سپاه پاسداران در داخل و خارج از کشور از این دست، کم نیستند و این کمک های بی دریغ و انسان دو ستانه همه دنیا را به حیرت و امید دارد.

^۱ - ماده ۸(۲)(ب)(۴)



منابع :

- الکلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲
- شایگان فرد، حسین، مفهوم نسل کشی در پرتو رای دیوان بین المللی رواندا، همایش جهانی شدن حقوق و چالشهای آن، پ ۱۳۸۸، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی
- صادقی، سید شمس الدین، لطفی، کامران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴
- صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۳۱۴
- عزیزی، ستار، بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تاکید بر رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «فعالیت های نظامی در سرزمین کنگو» - فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۰
- علی اکبر - دوفصلنامه حقوق بشر - سال چهارم بهار و تابستان ۱۳۸۸ شماره ۱ - ص ۳ الی ۱۸
- قربانزیا، ناصر، اخگری بناب، نادر (۱۳۹۰). "عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته ای در پرتو اصل تفکیک (با رویکرد اسلامی)"، حقوق اسلامی، سال هشتم، (۲۸)، ۷۷
- لیا لوین. پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر. ترجمه محمد جعفر پوینده. چاپ چهارم. تهران: نشر قطره، ۱۳۷۸. ص ۲۰۳ و ۲۰۴.
- محقق داماد، سید مصطفی، حقوق بشر بوستانه بین المللی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳
- هنکرتز، ژان ماری؛ دو سوالد بک، لوئیس (۱۳۸۷). حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ، تهران: انتشارات مجد، ص ۱۲۲.
- یاقوتی، ابراهیم، بهلولی، عزیزه، مجازات جرم نسل کشی در دیوان بین المللی کیفری و دیوانهای رواندا و یوگوسلاوی، فصلنامه مطالعات راهبردی فقه و حقوق (۱۳۹۷)
- <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n>
- https://www.icrc.org/en/doc/assets/files/other/what_is_ihl.pdf
- IHL and Islam march 14, 2017, Ahmed Al-Dawoody
- <https://blogs.icrc.org/law-and-policy/2017/03/14/ihl-islam-overview/>
- <https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1702>
- <https://leidenlawblog.nl/articles/the-iranian-military-intervention-in-syria-as-a-matter-of-jus-contrabellum>
- Kastan, Benjamin N. (۲۰۱۳). "Autonomous Weapons Systems: A Coming Legal 'Singularity'?", Journal of Law, Technology and Policy, ۵۵
- <http://www.humanrights-iran.ir/news-29741.aspx>
- <https://www.icrc.org/en/document/what-international-humanitarian-law>
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90595>